

با امام حسین علیه السلام  
در محضر قرآن

محمد جواد طبسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# با امام حسین علیه السلام در محضر قرآن

نویسنده:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر چاپی:

سلسال

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	با امام حسین علیه‌السلام در محضر قرآن
۷	مشخصات کتاب
۷	دیباچه
۷	اشاره
۷	عشق به قرآن در دوران کودکی
۷	اشاره
۸	فراگیری سوره توحید
۸	پرسش تأویل برخی آیات از رسول خدا
۸	منظور از (ان السمع و البصر و الفؤاد) چیست؟
۸	شفا یافتن به برکت سوره حمد
۹	عشق به آیات قرآن
۹	اشاره
۹	عشق به تلاوت قرآن کریم
۹	اشاره
۹	قرائت قرآن در بیابان سوزان
۱۰	مهلت خواستن امام در عصر عاشورا
۱۰	خطبه شب عاشورا
۱۰	در چادرهای حسینی چه گذشت؟
۱۰	تشویق معلم قرآن
۱۰	اشاره
۱۱	قرآن در سیره امام حسین
۱۱	اشاره

- ۱۱ ..... امام حسین در کنار سفره بینوایان
- ۱۱ ..... آزادی در برابر یک شاخه گل
- ۱۱ ..... گذشت به خاطر شنیدن آیه عفو
- ۱۲ ..... اخلاق کریمانه در پرتو قرآن
- ۱۲ ..... استدلال بر مقام والای اهل بیت
- ۱۲ ..... اشاره
- ۱۲ ..... مراد از «ناس» ما اهل بیت هستیم
- ۱۳ ..... این آیه درباره ما نازل شده است
- ۱۳ ..... تطبیق برخی آیات بر امیرمؤمنان
- ۱۳ ..... پاسخ با استناد به آیات
- ۱۳ ..... اشاره
- ۱۴ ..... پاورقی
- ۱۶ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## با امام حسین علیه السلام در محضر قرآن

### مشخصات کتاب

سرشناسه: طبسی محمدجواد، - ۱۳۳۱

عنوان و نام پدیدآور: با امام حسین علیه السلام در محضر قرآن محمدجواد مروجی طبسی  
مشخصات نشر: قم سلسال ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ۸۳ ص ۱۹/۵ X م

شابک: ۹۶۴-۷۷۵۹-۱۴-۲۳۵۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۷۷۵۹-۱۴-۲۳۵۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه ص ۷۹ - ۷۸؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ق

موضوع: حسین بن علی ع، امام سوم ق ۶۱ - ۴

رده بندی کنگره: ۴/۴۱BP/ط۲۷ب۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۶۷۷۹

### دیباچه

### اشاره

دنیا برای بسیاری از مردم جای زینت، تفاخر، تکاثر، لهو و لعب است؛ اما گروهی از مردان خدا هرگز فریب لذت‌های زودگذر را نمی‌خورند و بر اساس گفته قرآن کریم «تجارت، آنها را از ذکر خدا غافل نمی‌کند». آنان در دنیا زندگی می‌کنند؛ اما هرگز وابسته به دنیا نیستند. آری فقط به خدا دل بسته‌اند و آنچه که در مسیر کمال است. مونس آنان کتاب خدا و آیات الهی است؛ آن گونه که اگر تمام مردم کره زمین بمیرند، اما این کتاب همراهشان باشد، هرگز احساس تنهایی و وحشت نمی‌کنند. امام حسین علیه السلام از جمله انسان‌های بی‌نظیر جهان هستی است که زندگی او با قرآن عجین شده بود. او از کودکی با قرآن همراه بود؛ عاشق و دلداده قرآن بود. چون لب به سخن می‌گشود، کلامش آیات قرآن بود و از قرآن دفاع می‌کرد؛ اگر نامه‌ای می‌نگاشت، دفاع از قرآن بود و سکوتش برای اندیشیدن در آیات آن. با اذعان به این که در این نوشتار کوتاه نمی‌توان کاملاً به زندگی قرآنی امام حسین علیه السلام پرداخت، اما اجمالاً به مواردی از آن اشاره خواهد شد که از دوران کودکی حضرت تا روز شهادتش را دربر گرفته است.

### عشق به قرآن در دوران کودکی

### اشاره

امام حسین علیه السلام از کودکی به قرآن عشق فراوانی داشت؛ زیرا آیات فراوانی از قرآن در خانه‌شان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشت و بدون تردید، امام حسین علیه السلام متأثر از فضای قرآن حاکم بر خانواده بود. ایشان از سنین کودکی به

قرائت، حفظ، تفسیر و تأویل قرآن اهمیت زیادی می‌داد. به چند نمونه از آنها که در تاریخ به ثبت رسیده، دقت کنید:

### فراگیری سوره توحید

از امام حسین علیه السلام سؤال شد: از رسول خدا چه شنیدی؟ فرمود: شنیدم که می‌فرمود: خداوند کارهای مهم و بزرگ را دوست می‌دارد و کارهای پست و حقیر را نمی‌پسندد... و او «قل هو الله احد» و نمازهای پنجگانه را به من آموخت. و شنیدم که می‌فرمود: هر که خدا را اطاعت کند، خدا او را بالا می‌برد و هر که نیت خود را برای خدا خالص کند، خدا او را نیکو سازد و بیاراید و هر که به آنچه نزد خدا است، اطمینان کند، خدا او را بی‌نیاز کند و هر که بر خدا بزرگی کند، خدا او را خوار سازد. [۱].

### پرسش تأویل برخی آیات از رسول خدا

اسماعیل بن عبدالله روایت کرده است: هنگامی که آیه «و اولوا الأرحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله»؛ (و خویشاوندان در کتاب خدا بعضی مقدم بر بعضی دیگرند) نازل شد، امام حسین علیه السلام می‌فرماید: تأویل این آیه شریفه را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فرمودند: سوگند به خدا که منظور پروردگار در این آیه جز شما نمی‌باشد. و «اولوا الأرحام» شماست. پس اگر من از دنیا رفتم، پدرت علی از هر کس به جانشینی من شایسته‌تر است و هرگاه پدرت علی در گذشت، برادرت حسن به جانشینی او سزاوارتر است و هرگاه حسن از دنیا رفت، تو به جانشینی او لایق‌تری. عرض کردم: ای رسول خدا! چه کسی پس از من به جانشینی من سزاوارتر است؟ فرمود: فرزندت علی، سپس فرزندش محمد، سپس فرزندش جعفر، سپس فرزندش موسی، سپس فرزندش علی، سپس فرزندش محمد، سپس فرزندش علی، سپس فرزندش حسن؛ پس هرگاه حسن از دنیا رفت، غیبت در نهمین فرزند تو رخ می‌دهد و این نه امام، از نسل تو هستند. خدا به آنان دانش و فهم را عطا فرموده است و سرشت آنان از سرشت من است. [۲].

### منظور از (ان السمع و البصر و الفؤاد) چیست؟

عبدالعظیم فرزند عبدالله حسنی گوید: سرورم امام هادی علیه السلام از پدران خود، از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا ابوبکر نسبت به من همچون گوش، و عمر همچون چشم و عثمان همچون دل است. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: فردای آن روز خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شدم در حالی که در محضر او امیرمؤمنان علیه السلام، ابوبکر، عمر و عثمان شرفیاب بودند. از حضرت سؤال کردم: ای جد بزرگوار! دیروز از شما درباره این صحابه سخنی شنیدم؛ منظور چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آری. سپس به آن سه نفر اشاره کرده، فرمود: آنان همانند گوش و چشم و دل‌اند و به زودی در روز قیامت در مورد این وصی من - سپس به علی علیه السلام اشاره فرمود - از آنان سؤال می‌شود. خدای سبحان می‌فرماید: «انّ السمع و البصر و الفؤاد کلّ اولئک کان عنه مسؤولاً» [۳] سپس فرمود: سوگند به عزت پروردگارم که همه امت من در روز قیامت نگه داشته می‌شوند و از آنان درباره ولایت علی علیه السلام سؤال می‌شود و این، همان فرموده خدای سبحان است که «و نگاهشان دارید که سؤال می‌شوند». [۴].

### شفا یافتن به برکت سوره حمد

علامه مجلسی می‌نویسد: از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمود: وقتی امام حسین علیه السلام بیمار شد، مادرش فاطمه علیها السلام او را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برد و عرض کرد: یا رسول الله! دعا کن خداوند به پسرت شفا عنایت فرماید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دخترم! خداوند متعال همان کسی است که او را به تو هبه کرد و او قادر است که پسرش را شفا دهد. در همان وقت جبرئیل نازل شد و عرض کرد: یا محمد! به درستی که خداوند متعال سوره‌ای را بر شما نازل نکرده، مگر این که در آن، حرف «فاء» می‌باشد. و هر فایی از آفت است؛ جز سوره حمد که در آن، حرف فاء نیامده است. پس ظرف آبی طلب کن و بر آن چهل مرتبه سوره حمد را بخوان. سپس آن آب را بر حسین بپاش که خداوند در اثر چنین کاری، به حسین شفا خواهد داد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین کرد و امام حسین علیه السلام عافیت یافت. [۵].

## عشق به آیات قرآن

### اشاره

اگرچه شنیدن تمام آیات قرآن برای امام حسین علیه السلام لذت بخش بود، اما گاهی شنیدن برخی آیات، آن هم از زبان پدرشان، آن قدر لذت بخش بود که وصف آن را فقط خود ابی‌عبدالله علیه السلام می‌دانست و بس. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پدرم برایم نقل فرمود که علی ابن ابی‌طالب علیه السلام در حالی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام در محضر مبارک او بودند، سوره مبارکه «اَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را قرائت کرد. امام حسین عرض کرد: پدرجان! گویا شنیدن این سوره از دهان مبارک تو، شیرینی ویژه‌ای دارد! امام علی علیه السلام در پاسخ فرمود: ای فرزند رسول خدا و ای فرزندم! من از این سوره خاطره‌ای دارم که تو از آن خبر نداری؛ چون این سوره نازل شد، جدّ تو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا به حضور طلبید و آن را بر من قرائت کرد. سپس دست بر شانه راست من زد و فرمود: ای برادر و وصی من و ای سرپرست امت من پس از من، و ای ستیزگر با دشمنان من تا روزی که برانگیخته شوند! این سوره پس از من برای توست و سپس در شأن فرزندان تو. همانا برادرم جبرئیل رویدادهای امتم را برایم بازگو کرد و او آنها را همانند حوادث نبوت برای تو بازگو می‌کند. این سوره در قلب تو و اوصیای تو تا هنگام طلوع فجر قائم آل محمد علیه السلام نوری درخشان دارد. [۶].

## عشق به تلاوت قرآن کریم

### اشاره

همان گونه که گفته شد، امام حسین علیه السلام از دوران کودکی به این کتاب آسمانی علاقه شدیدی داشت و همواره در تمام زندگی‌اش از قرآن سخن می‌گفت و لحظه‌ای از آن جدا نبود؛ حتی در آن روزهایی که برای دفاع از قرآن و اسلام آماده جنگ با دشمنان اسلام بود. امام علیه السلام چه در مدینه و چه در بین مکه و مدینه و در راه عزیمت از مکه به کربلا و در کربلا، در مقاطع مختلف، از قرآن سخن به میان می‌آورد و با ابراز عشق به آن، میزان علاقه خود را به حاضران و آیندگان نشان می‌داد که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

## قرائت قرآن در بیابان سوزان

ابن عساکر از یزید الرشک، از شخصی که با امام حسین علیه السلام گفت و گو داشته، نقل کرده است: (در منزل ثعلبیه) چشمم به چادرهایی افتاد که در بیابان برپا شده بود. پرسیدم: این چادرها از آن کیست؟ گفتند: امام حسین علیه السلام. پس به نزد او آمدم و او را پیرمردی یافتم که مشغول تلاوت قرآن بود و اشک از چشمانش بر گونه‌ها و محاسنش سرازیر بود. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا! برای چه به این جا آمدی، و در این بیابان که هیچ کس در آن یافت نمی‌شود، چه می‌کنی؟ فرمود:



این نامه‌های اهل کوفه است که به من نوشته‌اند و نمی‌بینم مگر آن که همان‌ها قاتل من هستند. پس اگر چنین کردند، هیچ حرمتی برای خدا نبوده، مگر آن که دریده باشند و خداوند در برابر این همه بی‌حرمتی، از آنها کسی را بر آنان مسلط خواهد کرد که خوار و ذلیلشان کند... [۷].

### مهلت خواستن امام در عصر عاشورا

تمام مورخان اسلامی ذکر کرده‌اند که در عصر عاشورا، عمر بن سعد با دریافت پیام و دستور جدید از عبیدالله بن زیاد، به محل استقرار امام حسین علیه‌السلام و یاران باوفایش نزدیک شد. چون امام از هدف او آگاه شد، به برادر بزرگوار خود، قمر بنی‌هاشم فرمود: اگر می‌توانی آنها را متقاعد کن که جنگ را تا فردا به تأخیر بیندازند و امشب را مهلت دهند تا ما با خدای خود راز و نیاز کنیم و به درگاهش نماز بگزاریم. خدای متعال می‌داند که من به خاطر او نماز و تلاوت کتاب او را دوست دارم... [۸]. و با این بیان، حضرت یک شب را مهلت گرفت و بار دیگر اوج عشق و علاقه خود را به قرآن نشان داد.

### خطبه شب عاشورا

امام زین العابدین علیه‌السلام می‌فرماید: در شب عاشورا پدرم یاران خود را جمع کرد و برای آنها خطبه خواند. من نیز خدمت ایشان رفتم تا گفتارشان را بشنوم. پدرم به یاران خود می‌فرمود: خدای را ستایش می‌کنم به بهترین ستایش هایش و او را سپاس می‌گویم در خوشی و ناخوشی. بار خدایا! تو را سپاس می‌گزارم که ما را به نبوت گرامی داشتی و علم قرآن و فقه دین را به ما کرامت فرمودی و گوشی شنوا و چشمی بینا و دلی آگاه به ما عطا کردی؛ ما را از زمره سپاسگزاران قرار بده. [۹].

### در چادرهای حسینی چه گذشت؟

در شب عاشورا در میان خیمه‌های یاران امام، جنب و جوش فوق‌العاده‌ای به چشم می‌خورد. برخی سلاح خود را برای جنگ آماده می‌ساختند؛ عده‌ای مشغول عبادت و مناجات و راز و نیاز با پروردگار بودند و بعضی هم با قرآن انس گرفته بودند. از ضحاک بن عبدالله مشرقی نقل شده است که در شب عاشورا، هرچند لحظه یک بار، گروهی سوارکار از لشکریان عمر بن سعد به عنوان مأموریت و نظارت به پشت خیمه‌های حسین بن علی علیه‌السلام می‌آمدند و به وضع این خیمه‌نشینان سر می‌کشیدند. یکی از آنان صدای امام را که این آیه شریفه را می‌خواند، شناخت: «ولا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیرٌ لأنفسهم أنّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذابٌ مهین ماکان الله لیذر المؤمنین علی ما أنتم علیہ حتی یمیز الخبیث من الطیب...» [۱۰]. آنان که کفر ورزیدند، گمان نبرند مهلتی که به آنان می‌دهیم، به نفع آنها است؛ بلکه به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و برای آنان عذابی است ذلت‌بار. خداوند مؤمنان را بر این وضعی که هستند، واگذار نخواهد نکرد تا بد را از نیک و ناپاک را از پاک جدا سازد. آن مرد با شنیدن این آیه، گفت: به خدا سوگند! افراد نیک، ما هستیم که خدا ما را از شما جدا کرده است. «بُرئیر» جلو آمد و به او پاسخ داد: ای مرد فاسق! خدا تو را در صف پاکان قرار داده است؟ به سوی ما برگرد و از این گناه بزرگ خود توبه کن؛ به خدا سوگند که ما بیم افراد پاک. آن مرد از روی استهزاء گفت: «و انا ذلک من الشاهدین؛ من نیز بر این شهادت می‌دهم»، آن گاه به سوی اردوگاه لشکر ابن سعد برگشت. [۱۱].

### تشویق معلم قرآن

امام علیه‌السلام به خاطر علاقه شدیدی که به قرآن داشت، به معلم قرآن بسیار ابراز علاقه می‌کرد و در موردی، یک معلم قرآن را آن قدر تشویق کرد که مورد اعتراض دیگران قرار گرفت. ابن شهر آشوب روایت می‌کند که عبدالرحمن سلمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام سوره حمد را آموزش داد. وقتی فرزند امام آن را در نزد پدر خواند، امام حسین علیه‌السلام به آن آموزگار هزار دینار و لباس عطا کرد و دهان او را پر از جواهرات کرد به حضرت اعتراض کردند که آموزش یک سوره این همه عطا و تشویق لازم نداشت! امام در پاسخ فرمود: این عطا و بخشش چگونه می‌تواند با تعلیمی که او می‌دهد، برابری کند؟! [۱۲].

## قرآن در سیره امام حسین

### اشاره

زندگی امام حسین علیه‌السلام بزرگ‌ترین و بهترین نشانه تجلی آیات قرآن کریم است؛ چرا که قرآن همراه آنها و آنان همراه با قرآن بودند و هرگز جدایی بین قرآن و عترت، قابل تصوّر نیست. این حقیقت زمانی که به نشانه‌های آن توجه کنیم، جایگاه خود را می‌یابد:

## امام حسین در کنار سفره بینوایان

عیاشی در تفسیر خود از مسعده روایت کرده که روزی امام حسین علیه‌السلام از کنار فقرا و تهیدستان می‌گذشت. آنان که سفره خود را پهن کرده و تکه‌های نان خشک را در آن قرار داده بودند، از امام خواستند تا با آنان هم غذا شود. حضرت به درخواست آنها پاسخ مثبت داده و در کنار آنها نشست و با آنان هم غذا شد و این آیه را تلاوت فرمود: «انّ الله لایحبّ المستکبرین»؛ [۱۳] خداوند مستکبران را دوست نمی‌دارد. سپس فرمود: من دعوت شما را پذیرفتم؛ حال، شما نیز به دعوت من پاسخ گوید. عرض کردند: آری، ای فرزند رسول خدا! چنین می‌کنیم. پس همراه امام حسین علیه‌السلام به سوی منزلش روانه شدند. حضرت به کنیز خود فرمود: هرچه در منزل کنار گذاشته‌ای، برای ما بیاور. [۱۴].

## آزادی در برابر یک شاخه گل

علامه مجلسی از اربلی، از انس نقل می‌کند: نزد امام حسین علیه‌السلام بودم که یکی از کنیزان آن حضرت در حالی که شاخه گلی در دستش بود، وارد شد و آن را به امام تقدیم کرد. امام فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی. عرض کردم: او را در برابر یک شاخه گل بی‌ارزش و کم بها آزاد می‌کنی؟! حضرت فرمود: خداوند ما را چنین تربیت کرده است که می‌فرماید: «و اذا حیتم بتحیة فحیوا بأحسن منها او ردوها» [۱۵] و آزادگی او بهتر است از آنچه که او آورده بود. [۱۶].

## گذشت به خاطر شنیدن آیه عفو

همچنین نقل شده است که روزی یکی از بردگان حضرت، جنایتی که موجب تنبیه بود، انجام داد. حضرت دستور داد تا او را تأدیب کنند. او گفت: ای آقای من! «والکاظمین الغیظ» [۱۷]؛ امام فرمود: رهایش کنید. بار دیگر گفت: ای مولای من! «والعافین عن الناس» [۱۸]؛ حضرت فرمود: از تو گذشتم. برای بار سوم گفت: ای مولای من! «والله یحبّ المحسنین» [۱۹]؛ حضرت فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی. و از این پس، حقوق تو دو برابر آنچه که پیش از این به تو می‌دادم، خواهد بود. [۲۰].

## اخلاق کریمانه در پرتو قرآن

عصام بن المصطلق گوید: وارد مدینه شدم؛ وقتی حسین بن علی علیه السلام را دیدم، هیبت و عظمت او حسد و کینه درونی ام را نسبت به پدرش علی علیه السلام شعله‌ور ساخت. بدین جهت، او را مورد خطاب قرار دادم، گفتم: تو پسر ابوتراب هستی؟ گفت: آری. پس شروع کردم به دشنام دادن او و پدرش. امام حسین علیه السلام نگاهی مهرجویانه به من افکند و فرمود: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم «خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین و اما ینزغنیک من الشیطان نزغ فاستعد بالله انه سمیع علیم. ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون و اخوانهم یمدونهم فی الغی ثم لا یقصرون» [۲۱]. با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن) و هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر، که او شنونده و داناست. پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطانی شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) در این هنگام بینا می‌گردند. و (ناپرهیزگاران را) برادرانشان (از شیاطین) پیوسته در گمراهی پیش می‌برند و باز نمی‌ایستند. سپس به من فرمود: صدایت را کوتاه کن و آرام‌تر سخن گوی؛ خداوند من و تو را ببخشد. اگر از ما چیزی طلب می‌کردی، به تو کمک می‌کردیم و اگر عطا و بخششی می‌خواستی، به تو می‌دادیم و اگر راهنمایی می‌خواستی راهنمایی‌ات می‌نمودیم. عصام گوید: از تندروی‌هایی که کرده بودم، سخت پشیمان شدم. امام فرمود: «لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو أرحم الراحمین» [۲۲]؛ «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست؛ خداوند شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است». سپس فرمود: تو از شامیان هستی؟ عرض کردم: آری. فرمود: «شئنه أعرها من أخزم» [۲۳] خدا ما و تو را زنده بدارد. نیازهایت را از ما بخواه که مرا در بهترین گمانت خواهی یافت. عصام گوید: آن‌چنان شرمند شدم که زمین با آن همه وسعتی که داشت، بر من تنگ آمده، آرزو داشتم تا مرا به کام خود فرو برد. از آن پس، هیچ کس در نزد من محبوب‌تر از او و پدرش نبود. [۲۴].

## استدلال بر مقام والای اهل بیت

### اشاره

همچنین به آیات دیگری برمی‌خوریم که حضرت امام حسین علیه السلام شأن نزول آنها را اهل بیت می‌داند و یا آنها را به اهل بیت تفسیر کرده است:

### مراد از «ناس» ما اهل بیت هستیم

سعید بن مسیب نقل می‌کند: از امام سجاد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: مردی خدمت امیرمؤمنان علیه السلام رسید و عرض کرد: اگر عالم هستی، مرا از (تفسیر) «ناس» و «اشباه الناس» و «نسناس» آگاه کن. حضرت امیر علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود: ای حسین! جواب این مرد را بده. امام حسین علیه السلام فرمود: اما این که پرسیدی «ناس» چه کسانی‌اند؛ ما همان ناس هستیم (که خدای سبحان مردم را به پیروی از ما فرمان داده است). از این رو، خدای پاک در کتاب آسمانی خویش می‌فرماید: «ثم افیضوا من حیث افاض الناس» [۲۵]؛ «از همان جایی که مردم کوچ می‌کنند (عرفات)، شما هم کوچ کنید». این رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که مردم را کوچانید. و اما سؤال تو که «اشباه الناس» چه کسانی هستند؛ آنان شیعیان و دوستان ما هستند و آنان از ما می‌باشند. از این رو، حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «فمن تبعنی فانه منی» [۲۶]؛ «هر که از من پیروی کند، حقاً که او از من است». اما سؤال تو که «نسناس» چه کسانی هستند؛ آنان همین توده مردم‌اند. و حضرت با دست [مبارک] خود به انبوه مردم اشاره

کرد و این آیه را خواند: «ان هم الا کالانعام بل هم اضلّ سیلاً» [۲۷]؛ «اینان جز همانند چهارپایان نیستند؛ بلکه (نادان تر و) گمراه تر از آنهایند». [۲۸].

### این آیه درباره ما نازل شده است

ابن شهر آشوب در کتاب خود آورده است که حضرت موسی بن جعفر و امام حسین علیهما السلام در تفسیر آیه شریفه «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه...» [۲۹]؛ «آنان که چون در زمین به قدرت رسیدند، نماز را بر پای می‌دارند»، فرمودند: این آیه درباره ما اهل بیت آمده است. [۳۰].

### تطبیق برخی آیات بر امیر مؤمنان

امام حسین علیه السلام علاوه بر تطبیق بعضی آیات شریفه بر اهل بیت عصمت علیهم السلام برخی دیگر از آیات را خصوصاً بر امیر مؤمنان علی علیه السلام تطبیق می‌کرد و می‌فرمود: این آیه در شأن مولا علی علیه السلام نازل شده است. در این جا چند مورد از آنها را ذکر می‌کنیم: الف) امام علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «تراهم رکعاً سجداً» [۳۱]؛ «آنان را در حال رکوع و سجود بسیار می‌بینی»، فرمود: این آیه شریفه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. [۳۲]. ب) همچنین امام باقر علیه السلام، از امام سجاد علیه السلام، از جدش نقل می‌کند که وقتی آیه شریفه «و کلّ شیء اخصیناه فی امام مبین» [۳۳]؛ «و همه چیز را در کتابی روشنگر برشمارده‌ایم، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، ابوبکر و عمر از جای برخاستند و گفتند: ای رسول خدا! آیا امام مبین، تورات است؟ فرمود: نه. عرض کردند: انجیل است؟ فرمود: نه. سؤال کردند: قرآن است؟ فرمود: نه. در این هنگام امیر مؤمنان علیه السلام وارد شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام اشاره نموده و فرمود: امام مبین، این است. حقاً که او همان امامی است که خدای تبارک و تعالی علم هر چیزی را در آن به شمار آورده است. [۳۴]. ج) امام می‌فرماید که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره آیه «طوبی لهم و حسن مآب» [۳۵] سؤال شد. پیامبر فرمود: این آیه درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام نازل شده است و «طوبی» درختی است در خانه علی که در فردوس می‌باشد و هیچ میوه‌ای از میوه‌های بهشتی نیست، مگر آن که در آن خانه موجود است. [۳۶]. د) حارث بن اعور به امام حسین علیه السلام گفت: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا! مرا از فرمایش خدا در کتاب خویش خبر ده که می‌فرماید: «و الشمس وضحاها» [۳۷] منظور چیست؟ فرمود: «ویحکک یا حارث ذاک محمد رسول الله! ای حارث! این محمد رسول خداست عرض کرد: فدایت شوم منظور از «والقمر اذا تلاها» چیست؟ فرمود: منظور امیر مؤمنان است که پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. عرض کردم: منظور از «والنهار اذا جلاها» چیست؟ فرمود: آن قائم آل محمد است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند. [۳۸].

### پاسخ با استناد به آیات

#### اشاره

در مواقع گوناگونی امام حسین علیه السلام با استناد به آیات قرآن کریم به اتهامات واهی دشمنان پاسخ گفته و آنها را سرکوب می‌کرد و در نتیجه، دشمن جز تسلیم در برابر امام چاره دیگری نداشت. از موسی بن عقبه نقل شده که به معاویه گفته شد: اکنون چشم مردم به سوی حسین رفته است؛ چه خوب است که او را دستور دهی منبر برود و سخن بگوید تا بدین وسیله، از شأن و منزلتش در بین مردم کاسته و خجل گردد. چرا که در او لکنت و کندی زبان هست. معاویه گفت: ما همین خیال را نسبت به

برادرش امام حسن داشتیم؛ اما برخلاف انتظار، او در چشم مردم بسیار بزرگ شد و ما را مفتضح ساخت. اما آنان دست بردار نبوده و پیوسته از او می‌خواستند تا چنین دستوری بدهد. معاویه به ناچار به امام گفت: ای اباعبدالله! چه خوب است بر منبر رفته و خطبه‌ای بخوانی. امام بر منبر رفت؛ همین که خواست شروع کند، شنید که فردی می‌گوید: چه کسی سخن می‌گوید؟ امام حسین علیه السلام در پاسخ فرمود: ما حزب الله که غالب هستیم و عترت پیامبر که به او نزدیکیم و اهل بیت طیب او و یکی از دو ثقلی که رسول خدا ما را ثقل دوم کتاب خدا قرار داده، می‌باشیم که در اوست تفصیل هرچیز: «لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه» [۳۹]؛ «هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید». ماییم که تفسیر قرآن به ما واگذار شده است. پس از ما پیروی کنید که پیروی از ما بر شما واجب است؛ چرا که پیروی ما به پیروی از خدا گره خورده است. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول» [۴۰]؛ «اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر (اوصیای پیامبر) را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر خدا باز گردانید (و از آن‌ها داوری بطلبید)». همچنین فرمود: «ولو ردوه الی الرسول و الی اولی الامر منهم لعلمه الذین یستنبطونه منهم و لولا فضل الله علیکم و رحمته لاتبعتم الشیطان الا قلیلاً» [۴۱]؛ «اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - باز گردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می‌کردید» و به شما هشدار می‌دهم که به پیام‌های شیطان گوش نکنید که او دشمن شماست؛ پس همانند اولیای شیطان می‌شوید که به آنها گفت: «لا غالب لکم الیوم من الناس و انی جار لکم فلما ترائت الفتان نکص علی عقبیه و قال انی بریء منکم» [۴۲]؛ «امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی‌گردد و من همسایه شما هستم؛ اما هنگامی که دو گروه در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: من از شما بیزارم». این جاست که فرود آمدن شمشیرها و وارد آمدن نیزه‌ها و در هم شکستن گرزها و نشانه رفتن تیرها را به سوی هدف و غرض خواهید دید؛ در وقتی که دیگر از کسی که پیشاپیش ایمان نیاورد و یا در ایمان خود خیری کسب نکرده است، عذری پذیرفته نخواهد شد. این جا بود که معاویه فریاد بر آورد و گفت: ای اباعبدالله! بس است که پیام خود را رساندی. [۴۳] عمرو بن عاص برای این که این رسوایی را بپوشاند، چند سؤال کرد؛ از جمله این که پرسید: به چه علت محاسن شما از محاسن ما بیشتر است؟ امام فرمود: «والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبث لایخرج الا نکداً» [۴۴]؛ «سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بد طینت و (شوره زار) جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید». معاویه به عمرو بن عاص گفت: به حقی که من بر تو دارم، سخن را کوتاه کن که این، فرزند علی ابن ابی طالب است. در این هنگام امام فرمود: اگر بار دیگر عقب به سراغ ما بیاید، ما نیز به سراغش رفته و کفش‌ها برای کشتن او آماده است. عقب به علم و یقین می‌داند که نه دنیا دارد و نه آخرت. [۴۵].

## باورقی

[۱] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۳۱.

[۲] کفایة الاثر، ص ۱۷۵.

[۳] اسراء / ۳۶.

[۴] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۲۹.

[۵] بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۱.

[۶] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۳۷.

[۷] وقائع الطريق من مکه الی کربلا، ج ۳، ص ۲۲۶.

- [۸] قصه کربلا، ص ۲۴۳ و لهوف سیدابن طاووس، ص ۳۸.
- [۹] ارشاد مفید، ص ۲۱۴.
- [۱۰] آل عمران/ ۱۷۸ و ۱۷۹.
- [۱۱] سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، ص ۲۰۹، به نقل از تاریخ طبری.
- [۱۲] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۶.
- [۱۳] نحل/ ۲۳.
- [۱۴] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۷ و بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹.
- [۱۵] نساء/ ۸۶.
- [۱۶] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.
- [۱۷] آل عمران/ ۱۳۴.
- [۱۸] آل عمران/ ۱۳۴.
- [۱۹] آل عمران/ ۱۳۴.
- [۲۰] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.
- [۲۱] اعراف/ ۲۰۲ - ۱۹۹.
- [۲۲] یوسف/ ۹۲.
- [۲۳] متلی است معروف و در جایی که اصل و سبب و ریشه ماجرا معلوم است، به کار برده می شود.
- [۲۴] الامام الحسین فی المدینه المنوره، ج ۱، ص ۳۵۳.
- [۲۵] بقره/ ۱۹۹.
- [۲۶] ابراهیم/ ۳۶.
- [۲۷] فرقان/ ۴۴.
- [۲۸] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۲۵.
- [۲۹] حج/ ۴۱.
- [۳۰] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۷.
- [۳۱] فتح/ ۲۹.
- [۳۲] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۳۴.
- [۳۳] یس/ ۱۲.
- [۳۴] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۳۳.
- [۳۵] رعد/ ۲۹.
- [۳۶] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۶۲۸.
- [۳۷] والضحی/ ۳ - ۱.
- [۳۸] تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۲.
- [۳۹] فصلت/ ۴۲.
- [۴۰] نساء/ ۵۹.

[۴۱] همان / ۸۳.

[۴۲] انفال / ۴۸.

[۴۳] احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۲.

[۴۴] اعراف / ۵۸.

[۴۵] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۷.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».







مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

